

## پژوهشی در روابط ایران و فرانسه در دوره صفویه

### چکیده:

در دوره صفویان، فصل جدیدی در تاریخ روابط ایران با کشورهای بزرگ اروپایی از جمله فرانسه گشوده شد. در این دوره، اوضاع سیاسی - اقتصادی خاص پادشاهی صفوی از یک سو و تحولاتی که در غرب پدید آمده بود از سوی دیگر، سبب شد دو قلهای بزرگ غربی مانند فرانسه رویکرد جدیدی نسبت به قدرت نوظهور بزرگ شرقی؛ یعنی دولت صفوی داشته باشند. با وجود این، فرانسویان به دلیل اوضاع اروپا و مسائلی دیگر نتوانستند همانند رقبای اسپانیایی، انگلیسی و هلندی خود روابط استوار و پایداری با ایران برقرار کنند و حضوری فعال در زمینه سیاست و اقتصاد ایران داشته باشند، هر چند در عرصه دینی و فرهنگی از رقبای خود پیشی گرفته بودند. این مقاله می‌کوشد تا ضمن بازنگری این روابط به تجزیه و تحلیل علل و انگیزه‌های ایران و فرانسه برای ایجاد روابط پر دازده و میزان کامیابی یا ناکامی و دلایل آن را بررسی کند. بدین منظور روابط دو کشور در این دوره، در قالب محورهای کلی زیر بررسی شده است:

۱. چگونگی ارتباط دو کشور در قرن شانزدهم و اوایل قرن هفدهم.
  ۲. حضور جهانگردان، کشیشان و بازرگانان خصوصی فرانسه در ایران و نقش آنان در معرفی استعداد های دو کشور جهت فراهم نمودن زمینه‌های مناسب ارتباطی.
  ۳. علل و انگیزه‌های دو کشور در طول قرن هفدهم و به‌ویژه پس از تأسیس شرکت هند شرقی فرانسه در سال ۱۰۷۵ ق/ ۱۶۶۴ م.
  ۴. چگونگی روابط دو کشور پس از ظهور اعراب مسقط در خلیج فارس تا سقوط اصفهان در سال ۱۱۳۵ ق/ ۱۷۲۲ م.
- کلید واژه: ایران، فرانسه، تجارت، نیروی دریایی، اعراب مسقط، اصفهان.

## مقدمه

فرانسه در ایجاد روابط سیاسی - اقتصادی با ایران از پرتغال، انگلیس و هلند عقب‌تر بود. در طول قرن شانزدهم که این کشورها وارد حوزه تجاری اقیانوس هند و خلیج فارس شده بودند، فرانسه همچنان به بازارهای سنتی خود در عثمانی و حوزه دریای مدیترانه توجه داشت. در این دوره استعدادهای دو کشور، به‌ویژه ایران، چندان برای فرانسه شناخته شده نبود و از سوی دیگر دشمنی ایران و عثمانی، متحد فرانسه، مانعی بر سر راه گسترش روابط دو کشور محسوب می‌شد. با وجود کوششهای جدی‌تر دو دولت در قرن هفدهم نیز روابط دو کشور با مشکلاتی فراوان روبه‌رو بود. همان‌گونه که نشان داده خواهد شد، بخشی از نشیب و فرازها و شکنندگی موجود در روابط دو کشور به این دلیل بود که استراتژی دولت فرانسه در زمینه سیاست شرقی منسجم نبود و دربار صفوی نیز از روابط با دولتهای اروپایی درک درستی نداشت. افزون بر این، کارشکنیهای مداوم کمپانیهای هند شرقی انگلیس و هلند، ضعفهای دیپلماتیک و مسائل دیگر از مهم‌ترین دلایل ناپایداری روابط دو کشور به شمار می‌رفت.

## روابط ایران و فرانسه از قرن شانزدهم تا اوایل قرن هفدهم

در طول قرن شانزدهم که پادشاهان سلسله والوا در فرانسه سلطنت می‌کردند، روابطی میان دو کشور به وجود نیامد؛ زیرا این پادشاهان با سلاطین عثمانی متحد بودند و روابط بسیار صمیمانه‌ای با بابه‌الی داشتند؛ صفویان که دشمن عثمانیها بودند نمی‌توانستند با فرانسه روابط دوستانه‌ای ایجاد کنند، تا اینکه در سال ۱۵۸۹م. سلسله والوا منقرض شد و هانری چهارم (۱۵۸۹-۱۶۱۰م) سلسله بوربن را تأسیس کرد (مهدوی، ۱۳۶۴، ص ۱۲۲).

در سال ۱۵۹۹م. شاه عباس اول (۹۹۶-۱۰۳۸ق) نامه‌ای به سرآنتونی شرلی داد تا برای هانری چهارم ببرد که گویا پاسخ آن داده نشد (لاکهارت، ۱۳۶۸، ص ۴۸۳) و چنانکه شوستر والسر نوشت، هانری چهارم نامه شاه عباس را برگردانده بود (همو، ۱۳۶۴، ص ۹۲۳). این امر نشان می‌دهد که فرانسه نسبت به ایران چندان توجهی نداشته و همچنان در پی تقویت روابطش با عثمانی و اتحاد با دولتهای اروپایی بوده است.

در سال ۱۶۱۰م. و در آخرین سال سلطنت هانری چهارم بود که کشیشی یسوعی\* به نام پرژوست\*\* به ایران آمد و شمه‌ای از عظمت و جلال هانری را به عرض شاه عباس اول رسانید، به گونه‌ای که شاه به برقراری روابط دوستانه با پادشاه فرانسه علاقه‌مند شد. شاه عباس از طریق این کشیش نامه‌ای برای هانری فرستاد، اما پرژوست وقتی به پاریس رسید که هانری ترور شده و پایتخت در هرج و مرج فرو رفته بود؛ از این رو، کسی به فرستاده پادشاه ایران توجه نکرد و معلوم نیست که آن کشیش نامه را به چه کسی تسلیم کرده است (مهدوی، ۱۳۶۴، ص ۱۲۲).

در اوایل قرن هفدهم رفت و آمد بسیاری از کشیشان و مبلغان مذهبی فرانسوی به ایران آغاز شد. گویی در این مرحله فرانسویان تصمیم داشتند ضمن نفوذ فرهنگی، به منافع اقتصادی و سیاسی نیز دست یابند و این گونه عقب‌ماندگی‌شان را نسبت به رقبای دیرین خود جبران کنند. در این دوره کشیشان، به‌ویژه کشیشان فرقه کاپوشن\*\*\* را باید از پیشگامان برقراری روابط میان دو کشور دانست. وقتی به سیاست شرقی فرانسه در اوایل قرن هفدهم توجه می‌کنیم با دو شخصیت ممتاز روبه‌رو می‌شویم: نخست کشیشی از فرقه کاپوشن به نام پرژوزف دوپاری\*\*\*\* معروف به عالیجناب خاکستری جامه و شخصیت برجسته دیگری به نام ژان باپتیست کلبر\*\*\*\*\* که وارث بسیاری از تمایلات پرژوزف بود.

پرژوزف در ایجاد رابطه مستقیم میان فرانسه و ایران از کاردینال ریشلیو\*\*\*\*\* (۱۶۲۴-۱۶۴۲م)، صدراعظم هوشمند لویی سیزدهم (۱۶۱۰-۱۶۴۳م) نیز سهم بیشتری داشت. پرژوزف معتقد بود اگر فرانسه بخواهد در شمار دولتهای بزرگ قرار گیرد، باید در ماورای دریاها در پی کسب منافع تجاری و نظایر آن باشد؛ از این رو، هندوستان هدف اصلی است، اما چون آن سرزمین بسیار دور افتاده است، فرانسه باید جای پایی در ایران بیابد (لاکهارت، ۱۳۶۸، ص ۴۸۴). در پی افکار بلند پرژوزف، ریشلیو در سال ۱۶۲۶م. لویی دهای معروف به بارون دوکورمن\*\*\*\*\* را با اهداف سه‌گانه؛ یعنی اتحاد با ایران، حمایت از عیسویان ایران و

\* یسوعیان (Jesuit) فرقه‌ای از مسیحیان‌اند که به اصل تقوی، فقر و اطاعت از پاپ معتقدند.

\*\* Pere Just

\*\*\* Capucin

\*\*\*\* Pere Joseph de paris

\*\*\*\*\* Jean Baptist Colbert

\*\*\*\*\* Cardinal Richilieu

\*\*\*\*\* Louis des Hayes = Baron de Courmenin

برقراری روابط تجاری به عنوان سفیر به ایران فرستاد، اما دوکورمنن به دلیل اشکال تراشیهی عثمانیها نتوانست از قسطنطنیه فراتر رود. پس از آن کوششهای دیگری برای برقراری ارتباط با ایران با اهداف مذهبی و سیاسی به عمل آمد که از آن جمله استقرار فرقه مذهبی کاپوشن با رنگ و بوی فرانسوی در اصفهان بود. در سال ۱۶۲۷م. یکی دیگر از کشیشان همین فرقه به نام پریاسیفیک دوپروون\* با نامه‌هایی از لویی سیزدهم (۱۶۱۰-۱۶۴۳م) برای شاه عباس اول رهسپار ایران شد (ناوریه، ۱۳۳۶، ص ۲۶). دوپروون در سال ۱۶۲۸م. وارد اصفهان شد و همانند سفیران از او استقبال کردند؛ سپس شاه عباس اول او را در قزوین با احترام پذیرفت و اجازه داد تا در اصفهان و بغداد مراکز تبلیغی خود را دایر کند. او بعدها رئیس مبلغان اصفهان و به عنوان نماینده پادشاه فرانسه در ایران شناخته شد (لاکهارت، ۱۳۶۸، ص ۴۸۵).

کوششهای پرژوزف و ریشلیو در سالهای ۱۶۲۶-۱۶۲۹م. در سی سال بعد به نتیجه رسید، دلیل این امر را باید در اوضاع سیاسی اروپا جستجو کرد. در این دوره جنگهای داخلی فرانسه میان هواداران سلطنت و طرفداران پارلمان موسوم به فروند\*\* مسائل خارجی را بی‌اهمیت کرده بود. دیگر آنکه جنگ فرانسه با اسپانیا مانع توجه آن کشور به شرق می‌شد؛ از این رو، پس از آرامشی که بار دیگر از سال ۱۶۶۱م. با غلبه لویی چهاردهم بر اوضاع برقرار شد، (دولاندلن، ۱۳۶۴، ص ۸۴ به بعد) این پادشاه با کمک کلبیر، وزیر مالیه کاردان خود، به موضوع تجارت در آن سوی آبها توجه کرد و در این مدت همانند گذشته تاجران فرانسوی همراه گروههایی از کشیشان و جهانگردان فعالیت خود را در ایران ادامه دادند.

### فرانسویان در ایران

همچنان که اشاره شد، گذشته از کوششهای دو دولت برای برقراری روابط سیاسی - اقتصادی، رفت و آمد تاجران، صنعتگران، کشیشان و جهانگردان فرانسوی در ایران ادامه داشت. برای مثال، یکی از نامدارترین راهبان فرقه کاپوشن در ایران، پرافائیل دومان،\*\*\* بود که در سال

\* Pere Pacifique de Provins

\*\* Fronde

\*\*\* Pere Raphael du Mans

۱۶۶۴م/ ۱۰۵۱ق. همراهِ ژان باپتیست تاورنیه،\* جهانگرد و تاجر معروف فرانسوی، به اصفهان آمد. او در آنجا به فرقه کاپوشن پیوست و بعدها به ریاست آن منصوب شد (نوائی، ۱۳۶۳، ص ۲۷).

دومان که ریاضیدانی ماهر بود، در دربار ایران به گرمی پذیرفته شد و شاه عباس دوم (۱۰۵۲-۱۰۷۷ق) و شاه سلیمان (۱۰۷۷-۱۱۰۵ق) به او توجه داشتند. او با فراگیری زبان فارسی، مترجم فرانسویانی بود که به دربار راه می‌یافتند. دومان نه تنها به هموطنان خود مانند تاورنیه، شاردن، تونو\*\* و دیگران کمک می‌کرد تا آثار خود را درباره ایران کامل کنند بلکه به دیگر شهروندان اروپایی نیز یاری می‌رساند تا از عهده امور خود برآیند. دومان خود نویسنده توانایی بود. هنگامی که کلبر، وزیر دارایی لویی چهاردهم، برای تأسیس شرکت هندشرقی فرانسه اطلاعاتی درباره ایران نیاز داشت، دومان کتابی با عنوان وضع ایران در سال ۱۶۶۰\*\*\* نگاشت تا این نیاز بر طرف شود (لاکهارت، ۱۳۶۸، ص ۴۸۵-۷).

از میان فرقه‌های کاتولیک که دیرتر از همه در ایران مستقر شد، فرقه یسوعیان بود که فردی فرانسوی به نام پریگوردی\*\*\*\* آن را در سال ۱۶۵۳م. در اصفهان بنیان گذاشت. فرانسویان نه تنها نقش تبلیغی مهمی در ایران داشتند، بلکه می‌کوشیدند تا مناسبات خود را با ایران بهبود بخشند و بر حجم تجارت مملکت خود بیفزایند. همچنین جهانگردان و مسافران فرانسوی، با حضور پیوسته در ایران و با نوشته‌ها و آثار خود اطلاعاتی ارزشمند درباره ایران آن روزگار در اختیار هموطنانشان قرار دادند. از سوی دیگر، آنان با سفر و اقامت در ایران، ایرانیان را با نام و اعتبار فرانسه آشنا ساختند و از این راه در ایجاد روابط میان دو کشور بسیار مؤثر بودند. گرچه در برخی دوره‌ها ارتباط دو دولت قطع می‌شد، تاجران خصوصی همواره برای انجام معامله‌های تجاری به ایران رفت و آمد می‌کردند. بازرگانانی که به طور فردی در ایران به تجارت می‌پرداختند، هر نوع خطر احتمالی را در سراسر کشور با مسئولیت خود می‌پذیرفتند. این بازرگانان برای ادامه دادوستد در شهرهای ایران از شاه، فرمان یا دست خط می‌گرفتند تا کالای

\* Jean Baptiste Tavernier

\*\* Thevenot

\*\*\* Etat de La Perse en 1660

\*\*\*\* Pere Rigordi

خود را از گمرک معاف و از کمک حکام و خانهای ایالات استفاده کنند. بنابر اظهار برخی منابع، تجارت در داخل ایران و عبور از مرزهای آن که متضمن گمرکات زیادی بود بدون معافیت، سود چندانی نداشت (شوستر والسر، ۱۳۶۴، ص ۹۸). افزون بر این، ممکن بود مأموران گمرک در هر نقطه، قطعه به قطعه کالاها را کنترل کنند و این امر موجب اتلاف وقت می‌شد.

از میان بازرگانان فرانسوی که به طور انفرادی در ایران تجارت می‌کردند، باید از دو تاجر معروف به نامهای تاورنیه و ژان شاردن نام برد که ضمن گردش و تجارت در ایران، نوشته‌های با ارزشی نیز دربارهٔ اوضاع ایران دورهٔ صفوی بر جای گذاشته‌اند. آنان هم با شاه و درباریان و هم با حکام ایالات، معامله‌های عمده‌ای انجام می‌دادند و با فروش جواهر و کالاهای نفیس، سود سرشاری به دست می‌آوردند. این بازرگانان می‌کشیدند کالاهای خود را شخصاً به شاه ارائه دهند و به فروش رسانند؛ زیرا این نوع معامله افزون بر سود سرشاری که داشت، سبب ایجاد تسهیلاتی از جانب شاه برای فروشنده می‌شد. تاورنیه در مسافرت‌های خود به ایران و هندوستان، افزون بر تجارت جواهر و کالاهای گوناگون، مقدار زیادی از کرک و پشم کرمان را به فرانسه صادر می‌کرد. او دوبار به دربار شاه عباس دوم آمد و هر بار جواهرات زیادی به وی فروخت. شاه نیز با صدور فرمانی او را از پرداخت حقوق گمرکی و راهداری معاف کرده بود\* (تاورنیه، ۱۳۳۶، ص ۲۵۹-۶۰).

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

### روابط دو کشور پس از تأسیس کمپانی هند شرقی فرانسه در سال ۱۶۶۴ میلادی

افزون بر تاجران خصوصی فرانسه که با مسئولیت خود برای تجارت به ایران می‌آمدند، شرکت هند شرقی فرانسه هم که در سال ۱۶۶۴ م/ ۱۰۷۵ ق. به سبک شرکتهای هند شرقی انگلیس و هلند تأسیس شده بود، بخشی از تجارت میان دو کشور را انجام می‌داد. این شرکت با کمک کلبر، وزیر مالیهٔ لوئی چهاردهم، به قصد تجارت با مشرق زمین از جمله ایران تشکیل شده بود. پس از تأسیس این شرکت، روابط دو کشور وارد مرحلهٔ نوینی از تاریخ خود شد که از ویژگیهای آن گسترش تجارت دریایی فرانسه به سوی شرق، ورود یک شرکت دیگر اروپایی به

\* فرامین شاه عباس دوم در مورد تاورنیه در صفحه‌های ۴۹۲-۴۹۳ سفرنامهٔ وی آمده است.

عرصه خلیج فارس و توسعه روابط دو کشور بود.

در پی تأسیس این شرکت، یک هیئت پنج نفره که سه نفر آنان از اعضای شرکت و دو نفر دیگر از سوی پادشاه فرانسه مأمور مذاکره با دولت ایران شده بودند،<sup>\*\*</sup> به ایران آمدند. لویی چهاردهم نامه‌ای هم برای شاه عباس دوم فرستاده بود که در قسمتی از آن چنین آمده است:

«برای اثبات منویات ما دایر بر دوام و بقاء این سوابق مودت و تمایلات قلبی ما در مورد تحصیل موافقت آن اعلیحضرت با تمنیات تجاری کمپانی... ما نیز چند نفر از اعیان کشور را که مشتاق زیارت دربار شما می‌باشند با آنان همراه ساختیم.» (شاردن، ۱۳۳۶، ص ۱۶۹-۷۰).

هیئت فرانسوی به کمک رافائیل دومان، پس از مذاکراتی که با شاه عباس دوم انجام داد، بی‌درنگ تجارتخانه‌هایی در اصفهان و بندرعباس تأسیس و دادوستد با ایران را آغاز کرد (هربرت، ۱۳۴۸، ص ۱۲۵). این نمایندگان از شاه خواستند که کالاهای شرکت به مدت سه سال از حقوق گمرکی معاف باشد و در سالهای بعد نیز شرکت از امتیازاتی همانند دیگر کشورها استفاده کند. شاه با خواسته‌های ایشان موافقت کرد و در این زمینه دستورهایی صادر کرد، اما کمپانی و پادشاه فرانسه نه هدایایی، آن چنان که مرسوم بود، برای شاه و دربار ایران فرستادند و نه برای عقد قرارداد سیاسی پا پیش نهادند. دربار مغرور صفوی نیز نتوانست این بی‌اعتنایی را تحمل کند و در نتیجه شرکت نوپا احساس خطر می‌کرد؛ از این رو، کمپانی در سال ۱۶۷۳ م. یکی از دو مدیران کل خود، به نام ژستون<sup>\*\*\*</sup> را در سورات با هدیه‌هایی به دربار ایران فرستاد. ژستون در شیراز درگذشت و به جای او جوانی به نام دوژونشر<sup>\*\*\*</sup> به سفارت انتخاب شد، اما به سبب جوان بودن، مذاکراتش با مقامات ایرانی چندان جدی تلقی نشد. با وجود این، شاه سلیمان در سال ۱۶۷۳ م. در نامه‌ای به تاریخ رجب ۱۰۸۴ خطاب به شرکت هندشرقی فرانسه، ضمن تجدید امتیازاتی که پدرش، شاه عباس دوم، به شرکت داده بود از شرکت تقاضا کرد تجارت را در ایران توسعه دهد. همزمان با نامه شاه سلیمان، ناظر دربار وی نیز نامه مشابهی که گویای علاقه‌مندی دربار ایران به گسترش روابط با فرانسه بود، برای سران کمپانی فرستاد (شاردن، ۱۳۳۶، ص ۱۷-۳۱۳).

\* دوین، به‌ر و ماریاژ از نمایندگان شرکت و نیکلاکلود دولال و دولابوله لوگوز از فرستادگان پادشاه فرانسه بودند.

شواهد تاریخی نشان می‌دهد که شاه سلیمان نسبت به بازرگانان و مبلغان مذهبی فرانسه نظر مساعدی داشته است. برای مثال، هنگامی که شهیندر مبلغ شایان توجهی از پولهای مونت فره\*، رئیس تجارتخانه فرانسوی، را در بندرعباس توقیف کرده بود، شاه دستور داد آن را بازگردانند. همچنین در فوریه ۱۶۹۳ که چهار کشتی متعلق به کمپانی فرانسه در ساحل ایران لنگر انداخته بودند، شاه دستور داد از سرنشینان آنها با کمال احترام و با انواع غذا پذیرایی کنند (سانسون، ۱۳۶۴، ص ۳۵). این امر بیاتگر سیاست پایدار آخرین پادشاهان سلسله صفویه است که می‌خواستند با ایجاد رقابت در صحنه خلیج فارس از خودسریهای شرکت‌های انگلیس و هلند بکاهند. با وجود این پس از آمدن هیئت دوژونشر و نامه‌نگاریهایی که دربار ایران با شرکت هندشرقی فرانسه انجام داده بود، بار دیگر تا حدود سی سال بعد هیچ اقدامی جهت برقراری روابط با ایران به عمل نیامد. این وقفه طولانی دلائل متعددی داشت که از جمله آنها مخالفت‌های هلندیها و انگلیسیها، جنگهای فرانسه در اروپا و توجه شرکت هندشرقی فرانسه به تجارت با سیام و چین بود. البته در این مدت بازرگانان خصوصی و صنعتگران فرانسوی در ایران به فعالیتهای خویش ادامه می‌دادند و آنان بودند که در نیمه دوم قرن هفدهم اطلاعات سیاسی - اقتصادی لازم را درباره ایران، در اختیار دولت و کمپانی هندشرقی فرانسه قرار می‌دادند.

در این مرحله، روابط سیاسی دو کشور به سطح نامه‌نگاری درباره مسیحیان و آزادی کشیشان در انجام مراسم مذهبی تنزل یافته بود. در سال ۱۶۸۲ م. فرانسوا پیکه\*\* یکی از کشیشان ساکن در ایران، با دریافت اعتبارنامه و نامه‌هایی از پادشاه فرانسه به عنوان سفیر وارد اصفهان شد. او به دربار شاه سلیمان بازیافت و توانست امتیازهایی برای کاتولیکها و یسوعیان دریافت کند و در اصفهان به امور سروسامان دهد، اما در اثر بیماری در اوت ۱۶۸۵ در همدان درگذشت (نوائی، ۱۳۶۶، ص ۳۹۸).

پس از قرارداد صلح ریسویک\*\*\* در ۲۱ سپتامبر ۱۶۹۷ که به جنگهای فرانسه با اتحادیه اوگسبورگ (شامل اسپانیا، هلند، آلمان و سپس انگلیس) پایان بخشید، این کشور هنوز از

\* Mont Ferre

\*\* Francoi Piquet

\*\*\* Ryswick



نیرومندترین دولتهای اروپا به شمار می‌رفت (دولاندولن، ج ۲، ۱۳۶۴، ص ۸۸-۹). فرانسه به موجب این صلح پوندیشری\* را در ساحل غربی هندوستان از هلند گرفت و بار دیگر فرصت یافت تا به تجارت شرق توجه کند؛ بنابراین در سال ۱۶۹۸ م / ۱۱۰۹ ق. پس از سالهای متمادی، یکی از بازرگانان با تجربه ماری به نام بیون دوکانسویل\*\* را برای آگاهی از رموز کار، نوع و برآورد امتیازهای مطلوب به ایران فرستاد. دوکانسویل تا سال ۱۷۰۵ م / ۱۱۱۵ ق. در ایران ماند و در بازگشت، گزارشی مفید از اوضاع اقتصادی و بازرگانی ایران در اختیار دولت فرانسه قرار داد (نوانی، ۱۳۶۶، ص ۳۹۸-۹؛ هربرت، ۱۳۴۸، ص ۱۳۶-۷). این گزارش در تصمیم‌گیریهای دولت فرانسه مؤثر واقع شد.

### چگونگی روابط دو کشور از ظهور اعراب مسقط تا سقوط اصفهان در سال ۱۷۲۲ میلادی / ۱۱۳۵ قمری

در اواخر قرن هفدهم، تهاجم اعراب مسقط سبب ناامنی و خسارتهای بسیاری در خلیج فارس شده بود. کمک پرتغالیها به ایران برای دفع این حمله‌ها نیز چندان مؤثر نبود. شرکتهای هند شرقی انگلیس و هلند هم مایل نبودند در این مورد به ایران کمک کنند؛ زیرا نمی‌خواستند به خاطر دولت ایران با اعراب مسقط دشمن شوند و از سوی دیگر، آنها با حاکمیت ضعیف ایران بر خلیج فارس بهتر به منافع خود دست می‌یافتند تا با وجود دولت مقتدری همانند شاه عباس اول. مجموعه این مسائل سبب شد که دربار صفوی جدی‌تری روابط با فرانسه را پیگیری کند.

اعتمادالدوله، صدراعظم ایران، در سال ۱۶۹۹ م / ۱۱۱۰ ق. نامه‌ای از جانب شاه سلطان حسین (۱۱۰۵-۱۱۳۵ ق) به پادشاه فرانسه نوشت که مضمون آن عبارت بود از ایجاد روابط میان دو ملت براساس شرایط متقابل؛ دریافت کمک دریایی برای دفع اعراب مسقط؛ تقسیم غنایم؛ دادن بندر در خلیج فارس به دولت فرانسه و تهیه مسکن مناسب برای کارکنان آن شرکت در اصفهان، شیراز و تبریز (لاکهارت، ۱۳۶۸، ص ۴۹۱-۶؛ نوانی، ۱۳۶۶، ص ۳۹۹). معلوم نیست که سرنوشت این نامه چه شد، اما دولت فرانسه در ژوئیه ۱۷۰۳ تصمیم گرفت هیئتی به ایران

بفرستد تا روابط بازرگانی میان دوکشور جدی پیگیری شود.

از طرفی، چون شاه ایران از سرنوشت نامه خود بی اطلاع بود، نامه دیگری برای لوئی چهاردهم نوشت تا هیئت را به ایران بفرستد. همچنین در هنگام بازگشت دوکانسویل به پاریس، شاه خواست گروهی را با وی راهی فرانسه کند، اما شرکتهای انگلیس و هلند با رشوه دادن به میرزا احمدخان، حاکم استرآباد، که قرار بود به فرانسه فرستاده شود و نیز با القاء منفی به درباریان، آنان را از این کار منصرف ساختند (نوائی، ۱۳۶۶، ص ۴۹۶ و ۳۹۹).

سرانجام، در پی تصمیم دولت فرانسه، هیئت به ریاست تاجری به نام ژان باپتیست فابر\* به ایران فرستاده شد، اما رئیس هیئت در ایران درگذشت. پس از فابر، معشوقه اش، ماری کلود پتی،\*\* خود را سرپرست هیئت خواند و تا دربار شاه پیش رفت، اما با رسیدن پی پرویکور میشل،\*\*\* منشی سفیر فرانسه در عثمانی، ماری پتی برکنار و وی ریاست هیئت را به عهده گرفت و به گفتگوها پایان بخشید (همان، ص ۴۰۳ و ۴۰۰).

میسل در ۷ ژوئن ۱۷۰۸ به حضور شاه سلطان حسین بار یافت. پس از مذاکراتی که انجام شد، اعتمادالدوله پرسید که فرانسه چه کالاهایی را و از چه راههایی می تواند وارد ایران کند؟ وی پاسخ داد که فرانسه می تواند پارچه های مختلف با رنگهای گوناگون، پارچه های ملبله دار، فاستونی و توری را از راه زمینی ترکیه و یا از راه دریا به بندرعباس وارد و به جای آن از ایران ابریشم، پشم و فرش به فرانسه صادر کند. پس از مذاکراتی که انجام شد، قرارداد شامل یک مقدمه و ۳۱ ماده در ۱۶ سپتامبر ۱۸۰۷ اول رجب ۱۱۲۰ میان طرفین امضا شد که مهم ترین مفاد آن عبارت بودند از:

۱. طبق موافقت قبلی، حقوق گمرکی واردات و صادرات پس از انقضای

مدت معافیت پنج ساله ۳٪ معین شد.

۲. به موجب مواد ۸ و ۷ (که تا حدودی مبهم اند)، فرانسویان مجازند سالانه

معادل ۳۰۰۰۰۰ پیاستر سویلی (۲۱۰۰۰ تومان)\*\*\*\* طلا و نقره وارد و

\* Jean Baptiste Faber

\*\* Marie Claude Petite

\*\*\* Pierr Victor Michel

\* پیاستر سویلی نام پولی بود که در سویل از شهرهای جنوبی اسپانیا ضرب می شد.

صادر کنند. آنان همچنین مجازند سالانه معادل ۱۰۰۰۰۰ پیاستر سویلی (۷۰۰۰ تومان) کالا از قبیل پارچه، فاستونی و سالالتجارت دیگر که با کالاهای هندی مشابه نباشند از ترکیه و اروپا وارد کنند. چنانچه کالاهای صادره و وارده از این مبالغ تجاوز کنند، حقوق گمرکی معمول نسبت به مازاد ۱۰٪ تعلق گیرد.

۳. در صورت بروز منازعه میان فرانسویان و مسلمانان و ارتکاب قتل، حکام شرع اسلام باید در حضور کنسول فرانسه موضوع را بررسی و درباره آن حکم صادر کنند. اگر منازعه میان دو فرانسوی باشد قضاوت به عهده کنسول خواهد بود.

۴. پس از صحت قرارداد، باید به نمایندگان تجاری فرانسه در اصفهان، بندرعباس، کنگ و ریگ مسکن داده شود و آنان مجازند که همانند دیگر اروپاییان، پرچم فرانسه را بر بام منزل خود برافرازند.

۵. تاجران فرانسوی و دیگر فرانسویان و نیز تعداد بیست نفر خدمتکار ارمنی و هندی آنان باید از خراج معاف باشند.

۶. شاه به عهده می‌گیرد که اسقفان و دیگر پارسایان فرانسوی مقیم سراسر ایران در منازل خود بدون مزاحمت دیگران تکالیف مذهبی را انجام دهند، مشروط بر آنکه در خارج از منزلشان عملی مغایر با مذهب اثنی‌عشری از آنان سرزنزد (هربرت، ۱۳۴۸، ص ۹-۱۲؛ لاکهارت، ۱۳۶۸، ص ۵۱۳). همچنین در مورد اروپاییان مقیم نخجوان و دیگر شهرهای ایران، هیچ کس نباید مانع اجرای فرامینی شود که شاهان ایران در گذشته به ایشان اعطا کرده‌اند. پادشاه ایران قول داد که فرامین مذکور را دوباره تأیید کند. در همین ماده درباره آزادی و اجازه اقامت به کشیشان کوملیت، عیسوی و دیگر فرقه‌های مقیم شهرهای قفقاز، آذربایجان، اصفهان، تبریز، گنجه و... تصریح شده بود (نوائی، ۱۳۶۳، ص ۳۲).

میشل به طور شفاهی پذیرفت که ترتیبی بدهد تا کشتیهای فرانسه به خلیج فارس بیایند. بدین گونه او موفق شد نخستین قرارداد رسمی ایران و فرانسه را با وجود کارشکنیهای مخالفان منعقد کند، هرچند امتیازهایی که به دست آورده بود به پای امتیازهای شرکت‌های کهنه کار انگلیس و هلند نمی‌رسید. میشل موفق شده بود افزون بر نوعی قضاوت کنسولی، معافیت گمرکی پنج ساله و امکانات دیگری را برای تاجران فرانسوی در این قرارداد بگنجاند. از لحاظ مذهبی نیز اسقف‌های فرانسوی و دیگر مبلغان، در انجام مراسم مذهبی خود آزاد بودند. البته این قرارداد، بازرگانان فرانسوی را از لحاظ حقوق گمرکی با رقیبان انگلیسی و هلندی که بابت آن چیزی پرداخت نمی‌کردند، یکسان نمی‌کرد و تنگناهایی را بر حجم تجارت فرانسه تحمیل می‌کرد (نوائی، ۱۳۶۶، ص ۴۰۲-۳؛ لاکهارت، ۱۳۶۸، ص ۵۱۳).

با آنکه شاه سلطان حسین بی‌درنگ قرارداد ۱۷۰۸م. را تأیید کرد، فرانسه همین عمل را با درنگ انجام داد.\* (فانم‌مقاسی، ۱۳۴۸، ص ۸۰ و ۶۹) این درنگ چند علت داشت: نخست آنکه شرایط بازرگانی در این قرارداد انگیزه چندانی در بازرگانان مارسسی یا رؤسای شرکت هندشرقی فرانسه به وجود نیاورده بود. دوم آنکه جنگ‌های جانشینی اسپانیا و فرانسه، نیروی دریایی این کشور را به خود مشغول کرده بود و در نتیجه روابط دو کشور نه تنها به کندی پیش می‌رفت، بلکه پر از خطر بود. سوم آنکه در داخل ایران شرکت‌های انگلیسی و هلندی و تاجران ارمنی ضمن مخالفت با قرارداد، شاه را برای لغو امتیازها زیر فشار قرار داده بودند. فرانسه تا سال ۱۷۱۱م/۱۱۲۳ق. قرارداد را تصویب نکرد و در پی امضای قرارداد یادشده هیچ کالایی به ایران نفرستاد (شوستر والس، ۱۳۶۴، ص ۹۵).

پس از شنیدن خبر پیروزی فرانسه در جنگ‌های اروپا و از سوی دیگر گسترش فعالیت‌های دامنه‌دار جدید اعراب مسقط در خلیج فارس و همکاری نکردن شرکت‌های انگلیسی و هلندی، شاه بر آن شد که برای اجرای قرارداد ۱۷۰۸م. سفیری به فرانسه بفرستد. این سفیر پرماجرا ولی بی‌کفایت، محمدرضا بیگ از رجال درجه سوم منطقه ایروان بود که نامه سلطان حسین را به

\* پس از امضای قرارداد ۱۷۰۸م شاه سلطان حسین و اعتمادالدوله، هرکدام نامه‌ای به میشل دادند تا به دست لوئی چهاردهم برساند و خواستار تأکید و تسریع در اجرای مواد آن شدند.

دربار لوئی چهاردهم برد. در این نامه بر روابط بازرگانی و رفت و آمد بازرگانان ایرانی و فرانسوی میان دو کشور بر مبنای قرارداد مذکور تأکید شده بود (هربرت، ۱۳۴۸، ص ۱۳۷؛ مهدوی، ۱۳۶۴، ص ۱۳۷). بیگلربیگی ایروان نیز نامه مشابهی برای صدراعظم فرانسه فرستاده و خواستار اجرای آن قرارداد شده بود (فانم‌مفاسی، ۱۳۴۸، ص ۸۳-۵).

پس از ورود محمدرضا بیک به دربار ورسای (نوانی، ۱۳۶۶، ص ۴۰۴-۱۲) رجال فرانسه به برخی مواد قرارداد ۱۷۰۸م. اعتراض کردند و سپس در ادامه مذاکرات خود بر سر مسائل بازرگانی میان دو کشور، از همان گزارش معروف بیون دوکانسویل، تاجر صلاحیت‌دار مارسی، که حاوی اطلاعات جامعی درباره مزایای تجارت با ایران بود استفاده کردند (لاکهارت، ۱۳۶۸، ص ۵۲۰). فرانسویان پس از اطلاع از این مزایا، حاضر بودند هر نوع امتیازی را به ایران بدهند جز کمک نظامی که هدف اصلی سفارت محمدرضا بیک بود. سرانجام، نتیجه مذاکرات آنان امضای یک قرارداد بازرگانی تکمیلی در ۱۳ اوت ۱۷۱۵ بود که به شرح زیر بر مواد قرارداد ۱۷۰۸م. افزوده شد:

۱. فرانسویان یا افرادی که زیر پرچم فرانسه با ایران تجارت دارند، می‌توانند آزادانه هر کالایی را به ایران وارد و یا هر کالایی را بدون پرداخت حقوق گمرکی از ایران صادر کنند.
۲. سفیر و عمال فرانسه باید در دربار ایران بر همه سفیران و عمال دیگر ملتها حق تقدم داشته باشند.
۳. همه فرانسویان باید از مالیات سرانه معاف باشند.
۴. صدور اسب که به شاه تعلق دارد، بدون هیچ قید و شرطی از سوی فرانسویان صورت گیرد.
۵. افزون بر امتیازهای فعلی و قبلی، فرانسویان باید از همه امتیازهایی که به ملتهای دیگر داده شده برخوردار باشند.

اهم مواد تکمیلی این قرارداد نیز به شرح زیر بوده است:

۱. تاجران ایرانی که به مارسی می‌روند مشمول همان امتیازها و معافیت‌های ملتهای دیگر خواهند شد، اما مجاز نیستند اجناس ممنوع‌الورود را به فرانسه وارد کنند.

۲. کنسولی از طرف ایران در مارس می‌مقیم خواهد شد تا به دعاوی ایرانیان رسیدگی کند.  
 ۳. چنانچه تاجری ایرانی در فرانسه فوت کند، اموال و اسناد وی تحویل کنسول ایران خواهد شد و چنانچه مقروض باشد، بدهی او از ماترکش پرداخت خواهد شد (لاکهارت، ۱۳۶۸، ص ۵۲۲.۳؛ هربرت، ۱۳۴۸، ص ۱۳۸.۴۱).

قرارداد جدید از لحاظ منافع فرانسه نسبت به قرارداد پیشین مزایای بیشتری داشت. واردات و صادرات فرانسه از حقوق گمرکی معاف شده بود و از این لحاظ بازرگانی فرانسه با انگلیس و هلند دارای حقوق یکسان شد. افزون بر این، در عرصه سیاسی نیز سفیر فرانسه بر همه مأموران ملتهای دیگر حق تقدم داشت. گرچه ایران نیز از لحاظ تجارت در خاک فرانسه و داشتن کنسول در مارس امتیازهایی به دست آورد، در قرارداد جدید از اتحاد نظامی علیه اعراب مسقط سخنی به میان نیامد و فقط به قول شفاهی اکتفا شد که آن هم عملی نشد. پس از بازگشت محمدرضا بیک، آژودگاردان<sup>\*\*</sup> به عنوان نماینده فرانسه در اصفهان و اتین پادری<sup>\*\*</sup> به عنوان کنسول در شیراز منصوب شدند.

پس از قراردادی که محمدرضا بیک در اوت ۱۷۱۵ / شعبان ۱۱۲۷ با دربار فرانسه منعقد کرد، پادری، کنسول فرانسه در ایران، از شاه سلطان حسین خواست کالاهایی که از فرانسه وارد ایران می‌شوند، از عشور و خروج و راهداری و دیگر مالیات دیوانی معاف شوند. بر این اساس شاه خطاب به تمام بیگلربیگیان و حکام سراسر کشور فرمانی مبنی بر آزادی کامل بازرگانان فرانسوی در ایران، انجام کمکهای لازم و معافیت از تمام حقوق مرسوم صادر کرد (نوائی، ۱۳۶۶، ص ۴۰۹؛ لاکهارت، ۱۳۶۸، ص ۵۲۲.۴). با وجود همه این فرامین و امتیازهای اعطایی به بازرگانان و عمال فرانسوی، در مجموع روابط سیاسی - اقتصادی آن کشور با ایران ضعیف بود و به دلایلی نتوانست همانند دیگر شرکتهای اروپایی در ایران استحکام یابد. بازرگانی فرانسه در ایران به پیگیری مستمر و جدی‌تر نیاز داشت ولی اغلب دچار وقفه و کندی می‌شد.

نمایندگان و عمال سیاسی - اقتصادی فرانسه با هم متحد نبودند و اختلاف سلیقه و عقیده آنان برای بازرگانی آن کشور بسیار زیانبار بود. برای مثال، اختلاف میان آژودگاردان که

\* Ange de Gardanne

\*\* Etinne Padery

پنهانی با اعراب مسقط سروسری داشت و اتین پادری که طرفدار کمک به ایران بر علیه آنان بود، به زیان منافع دو کشور بود. فرانسه به سبب جنگ با اسپانیا که سبب تضعیف نیروی دریای این کشور شده بود، دیگر مایل نبود در جنگ دریایی شرکت کند و دشمنی اعراب مسقط را بر ضد خود برانگیزد. افزون بر این، هر کشور به منافع خود می‌اندیشید؛ فرانسه به منافع اقتصادی خود در ایران می‌اندیشید و ایران در درجه اول خواهان به دست آوردن حمایت نظامی آن کشور علیه اعراب مسقط بود.

از دیگر عوامل تضعیف‌کننده موقعیت سیاسی - اقتصادی فرانسه در ایران، کارشکنیهای مستمر شرکتهای انگلیس و هلند، مخالفت تاجران ارمنی در ایران و تا حدی مخالفت بازرگانان مarseی بود. این بازرگانان که با عثمانی و کمپانی لوانت در نواحی جنوبی دریای مدیترانه روابط تجاری داشتند، گسترش روابط بازرگانی فرانسه را با ایران به زیان خود می‌دانستند (لاکهارت، ۱۳۶۸، ص ۵۳۲-۳).

در هنگام محاصره اصفهان، گاردان خواستار حمایتهای لازم از سوی محمود افغان شده بود. او نیز اوامری صادر کرد تا کسی مزاحم اموال ایشان نشود؛ اما با اشغال اصفهان، بنا به نوشته گیلاتز، فرانسویان نیز همانند دیگر شرکتهای خسارت دیدند و از ایشان مبلغ ۶۰ تومان جرمانه دریافت شد (همو، ۱۳۴۴، ص ۹۵).

گاردان و برادرش فرانسوا، با رکود تجارت در دوران سلطه افغانه بیکار ماندند و در این مدت فقط از مبلغان کاتولیک اصفهان حمایت می‌کردند. پس از سقوط افغانه، این دو برادر توانستند همان امتیازهای زمان شاه سلطان حسین را از طهماسب دوم بگیرند و پس از شانزده سال دوری به وطن خویش بازگردند (لاکهارت، ۱۳۶۸، ص ۵۲۸-۳۰).

## نتیجه

در طول قرن شانزدهم تا اوایل قرن هفدهم، اگرچه دو کشور شناخت کافی و رابطه جدی با یکدیگر نداشتند، حضور کشیشان، جهانگردان و بازرگانان فرانسوی در ایران زمینه‌های مناسب را برای ایجاد روابط میان دو کشور به وجود آورده بود. در قرن هفدهم، روابط دو کشور، با همه

نشیب و فرازهای خود، با جدیت بیشتری از سوی دو دولت پیگیری شد.

در این دوره دولت فرانسه که با علاقه‌مندی روابط با ایران را پیگیری می‌کرد، موفق شد در عرصه فرهنگ و مذهب بر رقبای خود پیشی گیرد، اما در اقتصاد و سیاست نتوانست جای پای محکمی در منطقه بیابد. با تأسیس شرکت هندشرقی فرانسه در سال ۱۶۶۴م/ ۱۰۷۵ق، دور جدیدی از فعالیتهای دو کشور برای ایجاد روابط سیاسی - اقتصادی آغاز و این کوششها به امضای قراردادهایی منجر شد. هر قدر که از توان و انگیزه فرانسویان برای اجرای این قراردادها کاسته می‌شد، به همان اندازه براشتیاق دولت صفوی برای اجرای آنها افزوده می‌شد؛ زیرا این دولت نیاز مبرمی به نیروی دریایی آن کشور برای سرکوبی اعراب مسقط در خلیج فارس داشت. دولت صفوی می‌کوشید تا با دادن امتیاز فراوان، پای آن کشور را به عرصه سیاسی، اقتصادی و به‌ویژه نظامی منطقه بازکند. با این همه، در هر دوره‌ای علل و موانع متعددی، از ایجاد و تحکیم روابط دو کشور جلوگیری می‌کرد.

دربار صفوی به سود آتی خود می‌اندیشید و دولت فرانسه نیز در پی به دست آوردن منافع تجاری خود بدون تحمل هزینه بود. در این میان، کارشکنیهای عثمانیها و شرکتهای اروپایی، مشکلات اروپایی دولت فرانسه، مخالفت بازرگانان مارسی که با ترکیه و نواحی شرقی مدیترانه تجارت داشتند و روابط با ایران را به نفع خود نمی‌دیدند، مخالفت تاجران آرامنه ایرانی، ساده‌اندیشی دربار صفوی، دشواریهای جغرافیایی و مسائل دیگر، همه مانع تحقق اهداف دو کشور می‌شد.



## کتابنامه

۱. تاورنیه، ژان باپتیست؛ *سفرنامه تاورنیه*؛ برگردان: ابوتراب نوری به تصحیح شیروانی، ج ۲، تهران: سنایی، ۱۳۳۶.
۲. دولاندولن، ش؛ *تاریخ جهانی*؛ ج ۲، برگردان: احمد بهمنش، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۶۴.
۳. سانسون، مارتین؛ *سفرنامه (وضع کشور شاهنشاهی ایران در زمان شاه سلیمان صفوی)*، برگردان: تقی تفضلی، تهران: ابن سینا، ۱۳۶۴.
۴. شاردن، ژان؛ *سیاحت نامه شاردن*؛ ج ۳، برگردان: محمد عباسی، تهران: امیرکبیر، ۱۳۳۶.
۵. شوستر والسرا، سببلا؛ *ایران صفوی از دیدگاه سفرنامه‌های اروپاییان*؛ برگردان: غلامرضا ورهرام، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۴.
۶. قائم مقامی، جهانگیر؛ *یکصدوپنجاه سند تاریخی از جلاوریان تا پهلوی*؛ تهران: چاپخانه ارتش، ۱۳۴۸.
۷. گیلانتز، پطروس دی سرکیس؛ *سقوط اصفهان*؛ برگردان: محمد مهریار، اصفهان: شهریار، ۱۳۴۴.
۸. لاکهارت، لارنس؛ *انقراض سلسله صفویه و ایام استیلای افغانه در ایران*؛ برگردان: مصطفی قلی عماد؛ ج ۳، تهران: مروارید، ۱۳۶۸.
۹. مهدوی، عبدالرضا هوشنگ؛ *تاریخ روابط خارجی ایران*؛ ج ۳، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۴.
۱۰. نوائی، عبدالحسین؛ *ایران و جهان (از مغول تا قاجاریه)*؛ ج ۲، تهران: هما، ۱۳۶۶.
۱۱. \_\_\_\_\_؛ *اسناد و مکاتبات سیاسی ایران*؛ تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۳.
۱۲. هربرت، موریس؛ *محمد رضا بیگ، سفیر ایران در دربار لونی چهاردهم*؛ برگردان: عبدالحسین وجدانی، تهران: ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۸.



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی